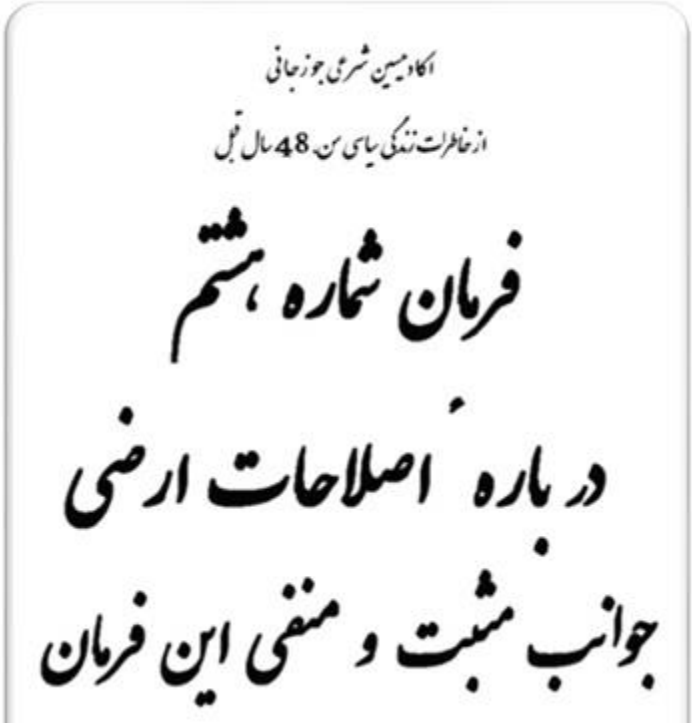

قسمت پنجم

سه سال بعد از هجوم قوای شوروی یعنی سر از ماه اگست سال 1981 ببرک کارمل که به حیث منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان تعیین گردیده بود، ضمایمی برای اصلاح نواقص فرمان شماره 8 صادر کرد که بر اساس آنها اراضی متعلق به مساجد، اماکن مذهبی، افسران اردو، سرکردگان عده ای از قبایل و زمینداران وفادار به دولت از مصادره معاف شناخته شد. همچنان سقف مالکیت زمین برای خانواده هاافزایش یافت وبرای تعیین حق آبه ها به صورت قانونی برای زمینهای توزیع شده، قانون تنظیم آب نافذ گردید و اشتراک در کوپراتیفهای دولتی آزاد گذاشته شد.

درجلسهٔ پلینوم کمیتّد مرکزی حزب دخ ا در مورد تطبیق اصلاحات دموکراتیک ارضی و توزیع عادلانهٔ آب در دهات، ببرک کارمل منشی

عمومی کمیتهٔ مرکزی و ر ئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ضمن بیانیهٔ مفصل خود گفت:

« در مسایل مربوط به تخنیک کار راجع به فرمان نمره 8 (هشت) و قوانین تعدیلات لازم در زمینهٔ اصلاحات ارضی و آب از طرف رفقا گزارشات مفصل ارائه شده و ارائه خواهد شد....
اصلاحات اساسی ارضی در سرلوحهٔ اصول مرامی حزب دموکراتیک خلق طی نزدیک به 20 سال گذشته قرار داشته است. در جلسات متعدد در حزب قبل از انقلاب ثور از فرکسیون پارلمانی ما از عقب تریبون ولسی جرگه، در ارگانهای مرکزی حزب ما (جرائد خلق و پرچم) و در اغلب میتینگهای شهری به حل مسئلهٔ ارضی و اصلاحات ارضی به حیث وظیفهٔ اساسی و انقلاب ملی و دموکراتیک توجه جدی مبذول شده است.

او از فرمان شماره هشتم بعد از انقلاب ثور به حیث گام بزرگ دلاورانه یاد کرده گفت:
همچنان گام بعد از انقلاب ثور- گام بزرگ دلاورانه در عرصهٔ اصلاحات ارضی در وجود فرمان شماره هشتم برداشته شد.
او افزود: آرزومندم جهات مثبت اصلاحات دموکراتیک ارضی را رشد و تکامل بدهیم و از جهات منفی آن درس عبرت بگیریم. البته نباید فراموش کرد که بعد از انقلاب ثور نظام فیودالی شکست خورد. این جهت مثبت تحقق اصلاحات ارضی است. کار بزرگی صورت گرفت. اکنون ماتوانستیم بگوییم که کمر ملاکین بزرگ درافغانستان شکسته است.

کارمل ضمن صحبت در بارهٔ اهمیت اصلاحات ارضی علاوه کرد: هرگاه امروز وظیفهٔ درجه اول ما محو و نابود ساختن

دشمنان انقلاب ثور و مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع در کشور نمی بود، من اعلان میداشتم که وظیفهٔ درجه اول، مهم و مرکز ثقل در کشور ما تحقق بخشیدن اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب است.

سپس سلطانعلی کشتمند و صالح محمد زیری به نوبهٔ خود صحبت کردند. زیری گفت: با پیروزی مرحلهٔ نوین و تکاملی انقلاب، ادامهٔ اصلاحات ارضی و بر علاوه به خاطر طرد اشتباهات گذشته اصلاح و تکمیل اسناد و شیوه های کار درین باره مورد توجه همه جانبهٔ حزب و دولت انقلابی قرار گرفت.

اما با وجود این همه اصلاحات در قانون اصلاحات ارضی و نفاذ قوانین مهم دیگر در عرصه های مختلف اجتماعی و فرهنگی به تشبث ببرک کارمل، حمایهٔ همه جانبهٔ دهقانان و اقشار سنتی جامعه حاصل نشد و از گسترش جنگ داخلی و مقاومت مجاهدین وابسته به پاکستان جلوگیری به عمل نیامد. زیرا مشروعیت حکومت همچنان زیر سایه اشغال نظامی شوروی قرارداشت.

بعد از مرگ لیونید بریژینف منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست در سال 1982 و جانشینان او یوری اندروپوف و کنستانتین چرنینکو، با انتخاب میخائیل گورباچف در سال 1985به صفت رهبر حزب کمونیست شوروی، در نتیجهٔ تغییراتی که در سیاست خارجی این کشور به وجود آمد، دولت شوروی تصمیم گرفت عساکر خود را از افغانستان فرابخواند. زیرا اردوی شوروی نتوانسته بود طی هشت سال جنگ، مقاومت مجاهدین را که از حمایهٔ بیدریغ پاکستان، کمک مالی عربستان و اسلحهٔ مدرن امریکا برخورداربودند

و اقشار وسیعی از مردم را که به نام دفاع از دین میجنگیدند مغلوب سازد.

بنابر عوامل ذکر شده و تلفات جانی سنگینی که ارتش شوروی در جنگ افغانسنان دید، باعث عدم رضایت مردم شوروی گردید. در طی این جنگ تنها از عساکر اوزبیکستان 600 تن به قتل رسیده بودند. علاوه برآن هجوم قشون شوروی در سال1956 بر مجارستان و در سال1968 بر چکوسلواکی و بعدا درسال 1979 برافغانستان اعتبار بین المللی دولت شوراهارا پایین آورده وآنرا به مثابهٔ یک کشور مداخله گر به انزوا کشانده بود.

در نتیجهٔ این تغییر درسیاست شوروی ببرک کارمل به استعفا از رهبری حزب و دولت افغانستان مجبورساخته شد و دوکتور نجیب الله عضو بیروی سیاسی حزب و رئیس خدمات امنیت دولتی به جای او منشی عمومی و رئیس شورای انقلابی تعیین گردید.

او لغو مصادرهٔ اراضی استملاک شده پس از تحول 7 ثور بر اساس فرمان اصلاحات ارضی و بازگردندن آن به مالکان اصلی را اعلان کرد حتی زمینهایی را که به دهاقین توزیع شده بود مشمول این اقدام کرد.

در قانون اساسی سال 1987 که در لویه جرگهٔ همان سال به تشبث دوکتور نجیب الله به تصویب رسید، احترام به مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته شد و سرمایه گذاری شخصی در ساحهٔ زراعت و تجارت تشویق گردید.

همچنان دولت از مالکان بزرگ و زمینداراني که به کشورهای خارجی مهاجرت کرده بودند دعوت به عمل آورد تا به کشور برگردند و اراضی خود را متصرف شوند.

محدودیتهایی که بر سقف مالکیت زمین در مراحل اول و دوم انقلاب برساحهٔ مالکیت زمین وضع شده بود، به غرض تشویق ملاکان برای تولید از بین برده شد.

بااعلان مصالحهٔ ملی اراضی وقفی و زمینهای مربوط به رؤسای قبایل از قید استملاک کشیده شده شده در اختیار مالکان و مؤسسات مربوطه قرار داده شد.

بدین ترتیب پلان ریفورم اراضی که پس از انقلاب 7 ثور درزمان نور محمد تره کی به شکل نسبتا رادیکال آغاز شده و در زمان ببرک کارمل شکل نسبتا معتدلتر را به خود گرفته بود ، بعد از یک چرخش کامل 180 درجه ای، با لغو کامل اصلاحات و احیای مالکیت خصوصی در زمان دوکتور نجیب الله خاتمه پیدا کرد.

باید گفت، درشکست حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان و ناکامی برنامه های اصلاحات دموکرتیک آن که از سال 1978 تا سال 1992دوام داشت و با اشغال کابل توسط مجاهدین و بعد از آن طالبان و قتل وحشیانهٔ دوکتورنجیب الله توسط آنان به پایان رسید، یک سلسله عوامل داخلی و خارجی نقش اساسی داشتند و ما در مقاله های بعدی در اطراف آن معلومات مستند تقدیم میکنیم.

دوام دارد.





صحنه هایی از توزیع زمین به دهقانان